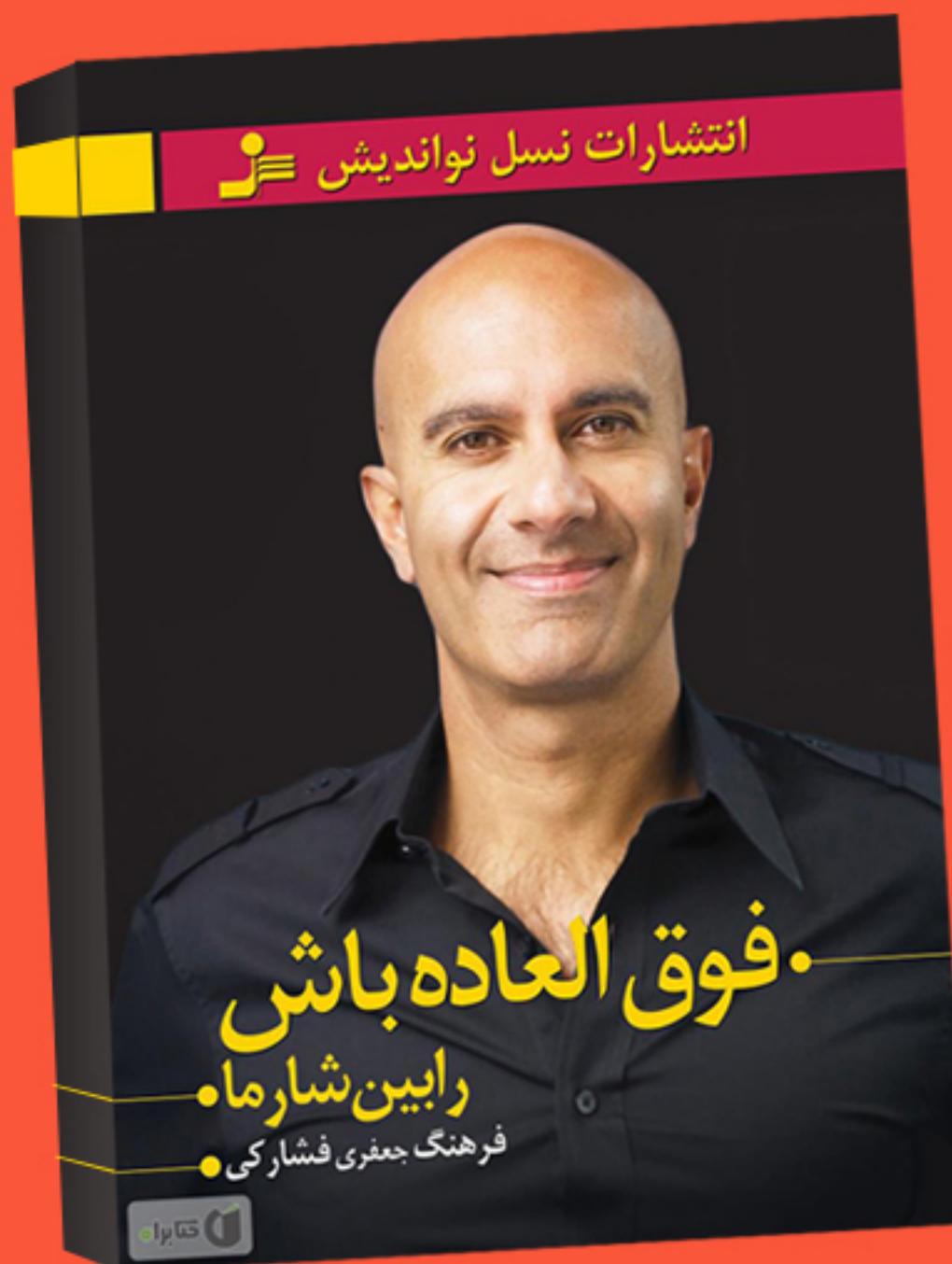


گزیده‌هایی از کتاب فوق العاده باش

نوشته‌ی رابین شارما



فوق العاده باش

از انسان، همه چیز را می‌توان گرفت، به جز یک چیز؛ آزادی

بشر برای انتخاب چگونگی دیدگاهش به موقعیت‌ها تا راه خود

را انتخاب کند.

اصل توسعه موفقیت

یک ایده بسیار قوی وجود دارد که شاید بتواند دگرگونی‌هایی در کار و زندگی شما ایجاد کند، اگر آن ایده را جزئی از خود بدانید، پیشرفت یا رکود زندگی شما رابطه مستقیمی با نحوه مقابله شما با ترس‌های تان دارد. با ترس‌ها مواجه شو تا

شانس عالی بودن را از دست ندهی. به یاد گفته فرانک هربرت^۱، در کتاب دون^۲ افتادم که گفته است: «نباید بترسم، ترس قاتل فکر است، ترس مرگ کوچکی است که نابودی کلی را موجب می‌شود. من با ترسم مواجه می‌شوم، به او اجازه می‌دهم که از من عبور کند. وقتی از من گذشت چشم درونی خود را می‌گشایم تا مسیرس را ببینم. من در جایی که ترس رفته است، ماندگارم.»

اگر شما در شرایط نامن، نامناسب و ترسناکی قرار گیرید و به جای فرار از آن موقعیت با قاطعیت با آن رو به رو شوید و اموری را که می‌دانید باید انجام شوند، انجام دهید، شاهد اتفاق بسیار حیرت‌انگیزی خواهید بود: اول آن‌که، آن ترس واهمه‌ای بیش نبوده است. دوم آن‌که، برای شجاعت‌تان یک پاداش غیرمنتظره

وارن بافت^۱ این نظریه را ارائه داد: «هیچ زمانی نخواهد بود که از خودت بهتر باشی.»، بینشی درخشنan از یک مرد درخشنan. من بهتر، هیچ‌گاه وجود نخواهد داشت. هیچ زمانی از خودت بهتر، وجود نخواهد داشت. بعضی‌ها شاید سعی کنند که پندار، گفتار یا کردار تو را کپی کنند ولی هر چه هم به سختی تلاش کنند، تنها دومین نفر از بهترین تو خواهند بود زیرا شما منحصر به فرد هستید. ما بین میلیاردها انسان زندگی می‌کنیم، یکی از آن‌ها شما هستید که امروز زنده است. این درک، شما را متوقف می‌کند و به فکر می‌اندازد، این طور نیست؟ به این نتیجه می‌رسی که خاص هستی یا نه، خارق‌العاده هستی. در واقع مسابقه و رقابتی وجود ندارد.

بنابراین، امروز با خود چه خواهی کرد؟ آیا توانایی‌های نهفته خود را گسترش می‌دهی؟ آیا خلاقیت‌های ذاتی خود را بیشتر به کار می‌گیری؟ آیا اصالت خود را نمایان می‌کنی؟ یا فقط از آنچه هستی، بهتر خواهی بود؟ این فقط یک ایده است زیرا وقت دیگری نخواهد بود که بهترین خود باشی. همین

قدرت سادگی

از کودکان خود خیلی می‌آموزم. نه تنها آن‌ها قهرمان‌های من هستند، دو تا از آموزگارهای برترم هم هستند. آن‌ها در لحظه زندگی کردن را به من آموخته‌اند، کمک کرده‌اند تا زندگی را مثل یک ماجرا ببینم و به من آموخته‌اند تا چگونه قلبم را بگشایم. به من قدرت ساده زندگی کردن را آموخته‌اند. این روزها فقط به دنبال سادگی هستم. سادگی در مورد هر چیز صدق می‌کند. سادگی برای کسانی است که رهبر هستند. سادگی برای هر کسی است که کاری می‌کند یا هر کسی که هست. سادگی برای افراد ساده، اندیشه‌ها و ابزاری است، برای کمک به مردم و شرکت‌ها برای رسیدن به استانداردهای جهانی. به نظر من، سادگی قدرتمند است. یکی از شرکای گوگل، سرجی برین^۱ اظهار کرد که علت موفقیت این شرکت از ساده بودن سرچشمه می‌گیرد^۲ که پسرم، کلبی^۳ را موضوع صحبتیم قرار می‌دهد.

نصیحت استیو مارتین^۱ کمدین، به کمدین‌های جوان این است: «آنقدر خوب باشید تا نتوانند شما را نادیده بگیرند.» عاشق این جمله‌ام. زندگی به سختکوشان علاقه دارد. هر چه به زندگی بیشتر بدھی، از آن بیشتر پس می‌گیری. غیر ممکن است که برنده نباشی، وقتی در کارت بهترین باشی و برای بهتر بودن تلاش کنی. جری گارسیا^۲، عضو گروه موسیقی گریت‌فول دد^۳، گفته است: «تو باید بخواهی که بهترین در کارت باشی، باید سعی کنی که تنها کسی باشی که آن کار را انجام می‌دهد.»

گاهی ناامید می‌شویم. برای همه ما اتفاق می‌افتد. به سختی می‌کوشیم، به آرزوهای خود معتقدیم و آرمان‌هایمان را دنبال می‌کنیم ولی اتفاقی نمی‌افتد یا این‌طور به نظر می‌رسد. هر تصمیمی مهم است، هر قدم مهم به حساب می‌آید. زندگی خطمشی خود را طی می‌کند، نه راه ما را. صبور باش. اطمینان داشته باش. مثل سنگ‌تراشی باش که روزانه مدام سنگ را می‌تراشد. عاقبت یک

-
1. Steve Martin
 2. Jerry Garcia
 3. Grateful Dead

برای تبدیل شدن به یک رهبر عالی به کف Shi'ah برق احتیاج نداریم. لطفاً به یاد داشته باشید، رهبری فقط یک مقام نیست بلکه یک نوع بودن است. دقیقاً،

رهبری است که عنوانی ندارد، رهبری یعنی خود را به استانداردهای جهانی رساندن و مسئولیت شخصی را پذیرا شدن، بدون آن که خود را قربانی بدانی. شما

با بهترین بودن در حیطه کاری خود و ایجاد رابطه‌های زیبا می‌توانید سرمشقی برای دیگران باشید. به سادگی، هدف من از این بخش کتاب این است که انجام دادن کارهای کوچک نموداری است، برای این‌که کارهای بزرگ را چگونه انجام می‌دهی و در حد وسط ماندن، برای انجام دادن امور کوچک، به حد وسط ماندن شما در امور بزرگ‌تر منجر می‌شود.

اگر حیاط یا خانه‌تان مرتب است، شرط می‌بندم که زندگی شما نیز مرتب است. اگر برای به یادآوردن جزئیات، مثل تاریخ تولد دوستان‌تان و کارت‌های تبریک فرستادن و تشکر کردن موفق هستید، حدس من این است که شما به جزئیات در مورد پروژه‌های بزرگ‌تر و موقعیت‌های عظیم‌تر نیز اهمیت می‌دهید. اگر مکان کار‌تان بسیار تمیز است، اموری که برای مشتریان‌تان منظور می‌دارید،

من اصلاً منکر آن نیستم که شما اهمیت برنامه‌ریزی را برای آینده ندیده بگیری. به آینده فکر کن و برای یک زندگی کامل آماده شو. مثل همیشه این یک تعادل است. برنامه‌هاییت را عملی ساز. برای بازنشستگی پس‌انداز کن. با استراتژی باش ولی در همان زمان، در لحظه زندگی کن. بازی کن. روزانه ریسک کن. چه زیرکانه! خطوط هوایی امارات یک پیام بازرگانی دارد که می‌پرسد: «آخرین باری که برای اولین بار کاری را انجام دادید، کی بود؟» چه

زیرکانه!

پس، تمام روزهایت را رنگین کن. بهترین را همین امروز به‌دست بیاور، زیاد بخند، عاشق شو، رویاپردازی کن و اگر موقعیتی است که در هر ساعت برای تو نمایان می‌شود، (ما هر دو می‌دانیم که این چنین خواهد بود) گریبانش را بگیر زیرا زندگی به سرعت عبور می‌کند؛ خیلی سریع.

چرا تا پیری صبر کنی تا از زندگی لذت ببری؟

گوشت بوقلمون و سالاد نخود فرنگی بخورم. آن را سفارش دادم، خانم جوان پشت پيشخوان، به من لبخند زد و گفت: «قانون مغازه ما، فروش بوقلمون به طور کلي است ولی سعى مى كنم تا دستور غذایی شما را آماده کنم.» يك دقیقه بعد، تکه بوقلمون خود را دریافت کردم. چشمکزنان گفت: «من يك تکه با تمام ادویه به شما دادم، عاشقش خواهی شد.» تا حد زیادی به من کمک و من را شیفته خود کرد. با من بسیار مهربان بود، يك تجربه لذت‌بخش از خدمات به مشتریان. زیرا او به گونه‌ای منحصر به فرد خوب بود. حدس بزنید که امروز کجا ناهار خوردم؟ به همان رستوران برگشتم زیرا مثل اغلب آدمها با کسانی داد و ستد مى کنم که رفتار خوبی با من داشته باشند. **چه کسی خواهان موقیت**

انسان‌های خوب نیست؟ خوبی من را وفادار ساخت. این کار، از من يك مشتری دائمی و من را به يك مبلغ تبدیل ساخت. برای شرکت‌های دارای استاندارد

جهانی، خوب بودن اهمیت دارد؛ هر روز خوب باش.

خوب بودن، شرکت‌هایی می‌سازد که طول عمر بالایی دارند.

فوق العاده باش

اعتباری خانم فعال شد و من جلوی صفحه رسیدم ولی بار دیگر که به آن خواربار فروشی بروم و حق انتخاب داشته باشم، به سمت صندوق داری می‌روم که کارش را می‌داند. کسی که سریع فکر می‌کند. کسی که کارها را انجام می‌دهد، نه در جایی که دیگران خشک‌شان می‌زنند.

به نظر واضح می‌رسد ولی حقیقت دارد که رهبری در زمان

چالش به کار می‌آید، نه در هنگام راحتی.